پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

رم

ارتش اشکانیان (ارتش پادشاهی اشکانی)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۰ مرداد ۱۳۹۳ · ۲۳ دقیقه مطالعه

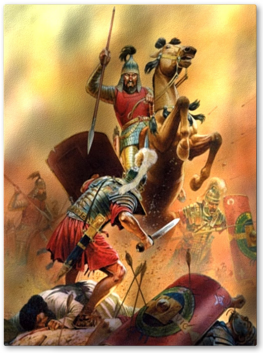

چکیدهٔ مقاله

پیش گفتار (در ادامه بیشتر پرداخته می شود) در دوره اشکانیان ارتش همیشگی و منظمی وجود نداشت که همواره آماده دفاع از کشور باشد. ارتش اشکانیان تا قبل از اردشیر بابکان دارای ساختاری فئودالی بود(ارباب-رعیتی) مختصری از اشکانیان نام پاثوره(پارت ها) از لفظ پارتی یا پارتی بن که یکی از ساتراپ نشین های دیرین امپراتوری پارس در شمال بود مشتق شده است. در برخی منابع، پارت ها را مردمی در مرکز ایران میدانند که پس از حمله اسکندر به شمال ایران پناهنده شدند و کلمه پارت نیز به معنی تبعیدی(جنگ زده) در زبان سکایی ها اس

پارسیان دژ / رم

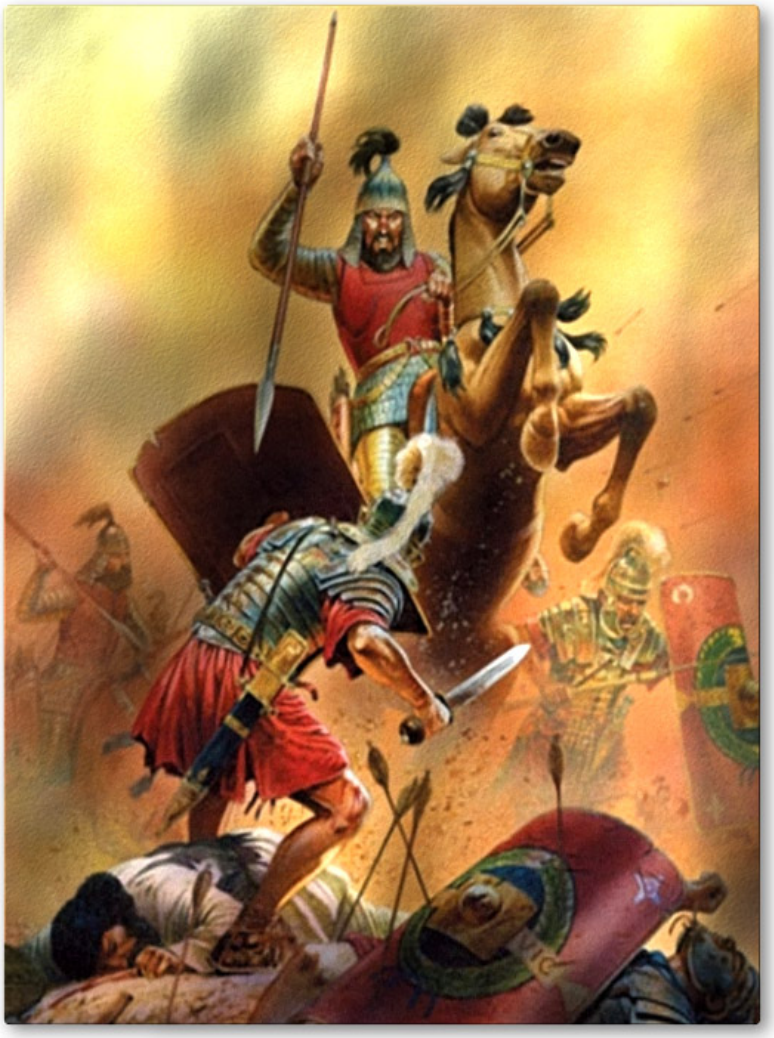

پیش گفتار (در ادامه بیشتر پرداخته می شود)

در دوره اشکانیان ارتش همیشگی و منظمی وجود نداشت که همواره آماده دفاع از کشور باشد. ارتش اشکانیان تا قبل از اردشیر بابکان دارای ساختاری فئودالی بود(ارباب-رعیتی)

مختصری از اشکانیان

نام پاثوره(پارت ها) از لفظ پارتی یا پارتی بن که یکی از ساتراپ نشین های دیرین امپراتوری پارس در شمال بود مشتق شده است. در برخی منابع، پارت ها را مردمی در مرکز ایران میدانند که پس از حمله اسکندر به شمال ایران پناهنده شدند و کلمه پارت نیز به معنی تبعیدی(جنگ زده) در زبان سکایی ها است. شاهنشاهی اشکانی یا امپراتوری پارت نام یکی امپراتوری های ایران پیش از اسلام است. حکومت پارت ها(با امپراتوری پارت ها اشتباه نشود) در سال ۲۵۰پیش از میلاد به دست ارشک اول بنیان نهاده شد.

شروع تلاش پارت ها برای براندازی سلوکیان و قیام بر علیه آنها در سال ۲۵۶پیش از میلاد و با قیام ارشک اپی فانس(اشک پرشکوه) شروع شد. پس ارشک و در دوران تیرداد یکم، سلوکوس دوم ارتشی برای سرکوبی پارتیان به ساتراپ پارت فرستاد ولی آن لشکر از پارت ها شکست خورده تار و مار شدند. در سال ۲۴۷پیش از میلاد تیرداد توانست از جنگ سلوکیان با رومیان و اشتغال آنان به آن نبرد استفاده کند، و هیرکانی(گرگان) را به تصرف در آورد، فتح گرگان و مناطق اطراف آن(حوالی گلستان کنونی) را آغاز امپراتوری پارت ها می دانند.

پارت ها نیز جلوس تیرداد یکم(اشک دوم) را به عنوان مبدا تاریخ خود قرار دادند. این همان تاریخ پارتی است. ولی پس از اندک زمانی آنتریوکوس با یک تهاجم همه جانبه و شدید به شرق و شمال شرق، تیرداد را شکست داده و او را مطیع خود ساخت. نزدیک به پنجاه سال بعد میتراداد یکم(مهرداد کبیر یا ارشک ششم) تهاجم وسیعی را بر علیه سلوکیان آغاز کرد. در این رشته جنگ ها بسیاری از مناطق غربی ایران به زیر سلطه میتراداد درآمد. میتراداد کبیر به خوزستان قشون کشید و خوزستان را فتح نمود، سپس روی به پارس گذاشت و آنجا را نیز گشود، سپس روی به هند گذاشت و قلمور شاهنشاهی اش را به رود سند رسانید. پس از آن به بابل حمله برد(۱۴۰پ.م). بابل در آن زمان یکی از مهم ترین شهر های جهان محسوب می شد این بود که سلوکیان از سقوط آن سخت بیمناک بودند به همین دلیل دیمیتروس دوم با لشکری از زبده ترین نیرو های سلوکی به جنگ با میتراداد کبیر برخواست ولی شکست سختی از وی خورده، اسیر شد. میتراداد سپس بابل را محاصره نمود. سلوکیان در این جنگ مقاومت بسیار کردند ولی در نهایت بابل برای دومین بار و پس از۴۱۹ سال به دست ایرانیان افتاد. در این دوران اهل و مردم اصلی میتراداد کبیر یعنی پارت ها بر علیه او شوریدند که وی با برآوردن خواسته های آنها، شورش را آرام نمود.

سلوکیان، نخستین دشمن پارت ها

در دوران پادشاهی ارد یکم؟، ارتشی به فرماندهی سردار سپهبد سورنا، آهنگ سلوکیه(ویه اردشیر) نموده آنجا را تسخیر کرد. در این دوران بود که کراسوس، کنسول سوم روم، به میان رودان حمله آورد، ارمنستان قول مساعدت به کراسوس داد، در این توافق بر واگزاری ۴۶هزار سوار و پیاده ارمنی به کراسوس توافق شده بود، زمانی که خبر به ارد رسید، وی با سپاهی متشکل از پیاده نظام، خود را به ارمنستان رساند و آن دیار را اشغال کرده، ارتاوارديَاس شاه ارمنستان را شکست داد. قشون روم در کاره(حران) به دست سردار سپهبد سورنا شکست سختی خورده، سر فرماندهان و جمیع بیرق های قشون روم به غنیمت به ارد پیشکش شد. این نخستین نبرد رومیان با پارت ها بود که به شکست بسیار سخت رومیان منجر شد و ابهت روم را فرو ریخت. پس از آن جولیوس سزار(گایوس یولیوس کاسیاروس) پادشاه نامدار روم، خواست انتقام شکست رومیان را بگیرد،لکن در مجلس سنا به دست مخلفانش کشته شد.

در دوران فرهاد چهارم(ارشک چهاردهم) یکی از سردارانش به نام منزس به وی خیانت نموده به خدمت مارک آنتوان، کنسول سوم روم، یعنی جانشین کراسوس درآمده به مصر ، محل حکومت انتوان رفته،او را ترغیب به حمله به ایران نمود. آنتوان پیش از پیشنهاد منزس نیز در تدارک حمله به خاک ایران بود، به همین جهت پیکی را به دربار اشکانی فرستاد(برخی معتقدند خودش به دربار اشکانی رفت) و از فرهاد شاه خواست که پرچم های روم را که از سپاه کراسوس گرفته شده بود مسترد دارد ولی فرهاد شاه از قبول آن سر باز زد. به همین جهت آنتوان با صد هزار لژیون

تا بن دندان مسلح به میان رودان حمله آورد ولی زمانی که به او خبر رسید که سربازان بیشمار پارتی تمام شرق دجله و فرات را محکم دارند و نفوذ به ایران از راه میان رودان، سپاهی بیش از دویست هزار سرباز میخواهد، از این رو ، آنتوان لشکر را به شمال هدایت نموده، وارد ارمنستان کرد. شاه ارمنستان،آرتاواردس قول دوازه هزار سوار و پیاده به آنتوان داد، آنتوان از راه ارمنستان به ، به آذرآبادگان ایران(آذربایجان) تاخت آورد و پراسیا،مرکز آذرآبادگان را محصور ساخت ولی پراسیا به شدت محکم و ساخلو کافی برای جنگ داشت به همین جهت تا رسیدن تجهیزات محاصره منتظر ماند در این زمان پارت ها از پراسیا برون شدند و به جنگ با رومیان پرداختند، رومیان با آن سپاه بزرگ و مجهز نتوانستند در برابر پارت ها بایستند، پارت ها، بیش از ده هزار رومی را کشتند و بیش از این مقدار از آنها را مجروح ساختند، رومی ها از وحشت تلفات بیشتر عقب نشینی نموده و پا به فرار گذاشتند، پس از فرار و تار و مار شدن رومی ها، پارت ها قشون آرتاواردس را تارو مار کردند.

در این بین ارتش اشکانی به کاروان تدارکات رومیان تاخت آورد و از آن غنایم بسیار به دست آوردند. آنتوان ناچار به کوه های آذرآبادگان عقب نشست، پس از مدتی از منطقه کوهستانی گذشته و به جلگه وارد شدند، پس از ورود ارتش روم به جلگه ها و زمین های پست اطراف، پارت ها حمله آغاز کردند و در ۱۹ روز جنگ، بیش از هشت هزار رومی را به خاک و خون کشیدند و خود تلفات اندکی دادند. پس از آن رومی ها از ارس گذشتند و به ارمنستان وارد شدند که پارت ها از تعقیب آنها خودداری کردند ولی سرمای زمستان و کمبود آذوقه باعث تلف شدن هزاران رومی شد(نزدیک به هشت هزار تن) و باقی قشون روم جان به دربرده و به عقب نشینی به روم پرداختند، پلوتارک می نویسد آنتوان مدام میگفت((آی ده هزار نفر)) و منظورش ۱۰هزار یونانی بوده که در دوران هخامنشی و در دوران کوروش کوچک(با اعلیحضرت شاهنشاه کوروش کبیر اشتباه نشود) از این منطقه عقب می نشستند ولی فلاکت رومیان به مراتب بیش از یونانیان بوده چرا که از کوناکسا تا طرابوزان سر جمع ده هزار یونانی بیش نبودند ولی در این دوران بیش از هشتاد هزار رومی با فرار از ایران شکر میکردند که از دست کماندارن ایرانی برستند(۳۹پ.م). دو سال بعد زمانی که پادشاه آذرآبادگان از غنایمی که از شکست روم نصیبش شده بود راضی نبود، ولی از ترس فرهاد شاه سخنی بر زبان نمی آورد تا این که به آنتوان نامه نوشته که می خواهد با او مصالحه کند(به تعبیری به ایران خیانت کند) این بود که آنتوان که در روم آبرویی برایش نمانده بود به سرعت لژیون های سرافکنده و متلاشی خود را جمع کرده به ارمنستان تاخت آورده شاه ارمنستان، آتاواردس را برکنار نموده ارمنستان را به روم ضمیمه نمود ساخلوی بزرگی در ان گذاشته به مصر مراجعت نمود. در سال ۳۳پ.م دوباره به ارمنستان بازگشته ولی بخاطر کدوراتی که ما بین او اکتاویوس بود به روم برگشت و ارمنستان آذرآبادگان را به حاکم خیات کار آذرآبادگان سپره تنی چند از لژیون های رومی را به او سپرد.

در این زمان فرهاد شاه به آذرآبادگان قشون کشید و آن دیار را به ایران برگرداند سپس از ارس گذشته به ارمنستان تاخت آورد، ستاسانوس فرماندار نظامی ارمنستان خواست با لژیون های رومی جلوی فرهاد را بگیرد ولی به شدت هر چه تمام تر شکست خورد. پس از آن آنتوان به سرعت خود را به ارمنستان رساند ولی وقتی شنید که پارت ها چه شکست هایی بر رومیان و ارمنیان متحمل ساخته اند به سرعت باقی لژیون هایش را از ارمنستان خارج ساخت. در راه پارت ها حملات بسیاری به رومیان کردند و از رومیان چنان بکشتند که آوازه اش تا روم رسید، آنتوان پس از این شکست، به مصر فرار کرد. پس از آن فرهاد شاه ، ارتاکسیاس، پسر پادشاه ارمنستان را که وفادار به دربار اشکانی

بود را به حکمرانی ارمنستان گمارد. این شکست های پی در پی باعث شد، رومیان برای یک قرن به ایران حمله نکنند. پس از این جنگ ها تیرداد نامی بر فرهاد شورید و چون فرهاد در آسیای میانه بود به جای او بر تخت نشست ولی فرهاد با سپاهی به جنگ تیرداد رفت و تیرداد را فراری داد لکن تیرداد پسر کوچک فرهاد شاه را نزد اوکتاوینوس برد ولی فرهاد با اوکتاویانوس داخل در مذاکره شد و پسر کوچکش را پس گرفت، در این زمان اوکتاویانوس از فرهاد شاه تقاضا نمود که پرچم های روم را پس دهد ولی فرهاد شاه چنین نکرد ولی پس از چندی اوکتاویانوس فردی را با هدایای بسیار و سوگند صلح و آشتی به نزد فرهاد شاه فرستاد، فرهاد شاه نیز پرچم ها را به اوکتاویانوس پس داد. هفت سال بعد اوکتاویانوس سزار روم شد که پس گرفتن پرچم ها از عوامل موثر بر آن بود. متاسفانه در سال ۲پ.م فرهاد شاه توسط فرزندش مسموم شد و به ملکوت پیوست. امپراتور روم چون روابط حسنه ای با دربار پادشاه پیشین ایران یعنی فرهاد شاه داشت، از پذیرفتن فرهاد پنجم(پسر فرهاد چهارم) امتنا کرد. پس از چندی اشراف بر علیه او شوریدند و او را از سلطنت خلع کرده بکشتند. پس از او ارد دوم به تخت نشست که در شکارگاه به تیر یکی از ملازمانش کشته شد. با وجود تمایل فراوان، لکن شرح تمامی جنگ های ایران اشکانی و روم در این نوشته نمگنجد بنابر از باقی جنگ ها میگذریم و به جنگ های امپراتور تراژان با ایران می پردازیم. در دوران خسرو(ارشک بیست و سوم)، پادشاه ارمنستان یعنی تیرداد فوت کرد و پاکر(برادر تیرداد) به سرعت، پسرش اکزادارس را به تخت نشاند. ای کار باعث تحریک تراژان به جنگ با ایران شد چون این اقدام را از طرف ایران میدانست. به همین دلیل لژیون های خود را جمع آوری کرده به سوی ایران رهسپار شد.

تو ضیح آنکه تراژان پیش از رسیدن به امپراتوری فرماندار اسپانیا بود که به امپراتوری رسید و سپس داکیه(رومانی) را فتح کرد در برخی نوشته ها او خود را الکساندر دوم خوانده. زمانی که تراژان به حوالی تراکیه(با ترکیه اشتباه نشود) رسید. پیک هایی از جانب خسرو به نزد تراژان آمدند و با اهدای هدایای بسیار از او خواستن که برگردد و در مقبل خسرو، شاه ایران، حاضر است به جای اکزادارس، پارتامازیر، پسر تیرداد را به تخت بنشاند و خود تراژان تاج بر سر پاتامازیر بگذارد(توضیح آنکه گرفتن تاج از دست شخصی دیگر نشان آن است که شاه، قدرت خود را از او دارد مانند این مورد که در قرون وسطی پاپ و ی در مواردی کاردینال ها، تاج بر سر پادشاهان می گذاشتن که بدین معنی بود که شاه اختیارات و حکومت خود را از خداوند دارد ای رسم در فرانسه و در دوران ناپلئون بناپارت پایان چرا که او اج را از پاپ گرفت و خود، تاج بر سر گذاشت. در ایران پیش از پهلوی نیز آخوند ها تاج بر سر پادشاهان میگذاشتند و شاه را سایه خدا بر روی زمین میدانستند. این رسم با روی کار آمدن رضا شاه پهلوی برچیده شد) ولی تراژان نپذیرفت و به حرکت خود به سوی ایران ادامه داد. تراژان سپس به ارمنستان وارد شد و پاتامازیر را به ارمنستان خواست و به او نوشت که اگر تاج را تراژان بر سر او بگذارد. تراژان او را به عنوان امپراتور می شناسد.

زمانی که پارتامازیر به ارمنستان درآمد، تراژان دستور به قتل او داد. پس از کشتن پارتامازیر، تراژان تمامی ارمنستان را گرفته سپس به میان رودان حمله آورده، شهر های ادیابن و الحضر را گرفت سپس بابل را محاصره کرده، آن شهر را فتح کرد، سپس سلوکیه را محاصره و سپس فتح کرد. در کوتاه زمانی به تیسفون حمله برد و آنجا را فتح نمود، خسرو پادشاه ایران که نمی خواست با تراژان روبرو شود مردم شهر های مفتوحه را به شورش همگانی فراخواند، پس از کوتاه زمانی، تمامی شهر هایی که تراژان فتح کرده بود ر به شور گذاشتند و حکومت تراژان را برنتافتند از این رو، تراژان خواست شهر های شورشی را بازپس گیرد که موفق نشد و یک سال بعد در گذشت. پس از او،

هادریان(هیدرین-آدریان) به تخت نشست. هادریا چون توان مقابله با رقیب قدرتمند خود یعنی ایران را در خود نمی دید خواست با ایران آشتی کند ایران نیز به شرطی صلح را پذیرفت که ارتش رو میان رودان را ترکن کند، هادریان نیز پذیرفت و صلح برقرار شد و تمامی ممالک مفتوحه به دست تراژان به ایرا برگردانده شد. از باقی جنگ های ایران و روم میگذریم و به دوران اردوان پنجم و جنگ هایش با اردشیر پاپکان میپردازیم. در سال دوران اردوان پنجم، جنگ های پی در پی بر سر تاج و تخت و همچنین شورش های متمادی، ایران را بسیار ضعیف کرده بود.

به همین جهت اردشیر بابکان بر اردوان پنجم شورید او را در تنگ آب فیروز آباد شکست داد(به سال۲۲۴م). اشکانیان به جز جنگ ، کار هایی برای برچیدن آداب و سنن یونانیان در ایران کردند. اسکندر مقدونی پس از فتح ایران بر آن شد که زبان و خط و آداب و سنن یونان را بر ایران حاکم کند به همین خاطر نوشتن به خط میخی پارسی را ممنون ساخته، تمامی جشن ها برچید. پارت ها پس از به قدرت رسیدن، به زنده کردن آداب و سنن ایران هخامنشی پرداختند و در این کار بسیار موفق ظاهر شدند، متاسفانه آثار کمی از دوران اشکانیان بر جا مانده و به همین دلیل از فن معماری در دوران اشکانیان خبر زیادی نیست و احتمالا از معماری یونانی و مخلوط با معماری پارسی استفاده کرده باشند. این مختصری بود از پیدایش و سقوط اشکانیان.

ارتش اشکانیان، ارتشی با ساختار فئودالی در دوره اشکانیان ارتش همیشگی و منظمی وجود نداشت که همواره آماده دفاع از کشور باشد. ارتش اشکانی دارای ساختاری فئودالی بود(ارباب-رعیتی) این ساختاری بود که تا پیش از قیام اردشیر بابکان و در دوره اشکانیان بر ایران حاکم بود. طبق این ساختار در زمان جنگ هر کدام از زمین داران بزرگ میبایست از رعایای خود نیرویی گرآوری کرده و برای حکومت مرکزی میفرستادند. جای بسی شگفتی است که این ساختار در دوران طولانی پادشاهی اشکانیان توانست ارتش های عظیمی را در مقابل رومیان ایجاد کند و به محض آشکار شدن نخستین نشانه های تهاجم از طرف دشمن پیک هایی به تمامی ایلات و اربابان فرستاده می شد و هر ایلات و ارباب به اندازه توان خود ارتشی را برای حکومت مرکزی می فرستاد.

این ارتش به دلیل سواره بودن توانایی جابجایی سریع را دارا بودند به همین دلیل رسیدن سپاهیان به میدان زیاد طولانی نمی شد. در کنار این ارتش، سپاهی نیز وجود داشت که تعداد کمتری سرباز داشت و وظیفه اش، حفاظت از پایتخت و خانواده سلطنتی و همچنین حفاظت از کاخ های فرماندارن ایلات بود، این ارتش اکثرا از سوارن سنگین اسلحه با زره هایی سنگین تشکیل می شد، این ارتش اساس قدرت حکومت مرکزی بود. قدرت این ارتش بر مبنای قدرت زرهی آن بود و نه جابجایی سریع آن. رمز پیروزی های بزرگ اشکانیان، حملات سریع و بی وقفه سواران سبک اسلحه بود. که اجازه حرکت به نیروهای دشمن را نمی دادند. متاسفانه ارتش اشکانی به دلیل مشغله زیاد در شورش های شرق کشور، نتوانست از بین النهرین پا پیش بگذارد. سپاهیان اشکانی به دلیل روش جنگی ویژه ای که داشتند یعنی تیراندازی به روش قنقاج تلفات بسیار اندکی در نبرد ها داشتند.

از پیاده نظام در دوران اشکانیان بسیار استفاده کمی می شده است، مگر در جنگ های شهری. سپاهیان اشکانی تابع صد در صد مقررات ارتشی نبودند و در میدان جنگ به نحوی بی نظمی حکمفرما بود. صفوف متراکم ارتشی که در دوره هخامنشیان بود، در ارتش اشکانی وجود نداشت. البته باید متذکر شد که در سال های ابتدایی حکومت اشکانیان، پادشاهان اشکانی به ایجاد سپاهی متشکل از پیاده نظام سنگین اسلحه با نیزه های بلند همت

گماشتند، چرا که پیروزی های این نوع پیاده نظام را در نبرد های بزرگ اسکندر در مقابل هخامنشیان دیده بودند ولی پس از چندی این پیاده نظام از زمانی که از آنتریوکوس پادشاه سلوکی شکست خورد، برچیده شد و پارت ها بر روی یک ارتش سواره تمرکز یافتند. داشتن ارتش متشکل از سواره نظام برای پارت ها که مردمی داری گله های بیشمار اسب بودند، کار مشکلی نبود، لازم به ذکر است که در دوران پارتیان، پرورش اسب یکی از کار های رایج در مزارع بوده و مزارع فراوانی برای تربیت اسب اختصاص می یافتند. پارت ها در زمستان نیز مانند تابستان جرارانه از میهن دفاع می نمودند چنانکه در بالا گفته شد، ارتش آنتوان در زمستان شکست سختی از پارت ها خورد. به این دلیل که بیشتر نبرد ها در بین النهرین اتفاق می افتاده، زمستان و تابستان فرق چندانی نداشته و در همه حالات، بین النهرین دارای هوای گرم بود است.(توجه شود که آنتوان در شمال آذرآبادگان شکست خورد). در تمامی نبرد های بین رومیان و اشکانیان، اشکانیان تنها در نبرد با تراژان مغلوب شدند و در بقیه نبرد ها فتح با آنان بود. در جنگ با تراژان نیز پس از چندی سپاهیان رومی از ایران فراری شدند چرا که پادشاه اشکانی یعنی خسرو شاه، مردم مناطق فتح شده را بر علیه رومیان شوراند و آنها را از خاک ایران بیرون کرد. در زیر شرحی بر ارتش اشکانی را میخوانید، به دلیل عدم وجود نیروی دریایی قوی و بزرگ در دوران پارت ها از شرح نیروی دریایی صرف نظر شده است و تنها به سواره نظام و پیاده نظام پرداخته می شود.

شرح رکن سواره نظام

سوار سبک اسلحه پارتی

سواران سبک اسلحه

اسلحه مورد استفاده: یک عدد کمان به علاوه زه یدک و ۱۰۰تیر(در مواقعی بیش از ۲۰۰ تیر)- در مواقعی استفاده از یک نیزه کوتاه و یا یک شمشیر

زره: دارای زرهی چرمی و در برخی مواقع بدون زره ، دارای کلاهخودی فلزی غالبا از آهن و در مواقعی به بستن سربند و یا گذاشتن کلاهی نمدین بسنده می شده است. **میزان استفاده:** از پایه های ارتش اشکانی محسوب می شدند. **مهم ترین نبرد ها:** نبرد کاره- رشته نبرد های اشکانیان با رومیان در زمان فرهاد چهارم و... **تاکتیک جنگی:** سواره نظام سبک اسلحه اشکانی به دلیل چالاکی و مهارت فراوان در تیراندازی شهره بودند. این سواران ابتدا به صورت گروهی به حمله میپرداختند ولی به محض نزدیک شدن دشمن، از مقابل دشمن می گریختند و به صورت قنقاج به تیراندازی میپرداختند، این موضوع یعنی تعقیب سوارن توسط ارتش دشمن باعث خسته شدن سپاهیان دشمن می شد. از آنجا که بیشتر جنگ های پارت ها با رومیان بوده است، رومیان با داشتن زره های سنگین، توانایی تعقیب پارت ها در مسافت های طولانی را نداشتند و پس از اندکی تعقیب بسیار خسته می شدند همین خستگی و نداشتن یک سواره نظام مجهز دلیل بر شکست های رومیان بود چنانکه در نبرد کاره مشاهده می شود که سپاهیان رومی از فرت خستگی نتوانستند پارت ها را تعقیب کنند و به همین دلیل پارت ها برگشتند و به تیرباران لژیون های رومی پرداختند.

کاتافراکت پارتی

سواران سنگین اسلحه یا کاتافراکت ها

اسلحه مورد استفاد: در بیشتر مواقع نیزه ایی بلند و آهنین و یا استفاده از یک گرز.

زره: از انواع زره ها از جمله زره صاف و همچنین زره فلسی استفاده میکردند. در مواقعی از ترکیب سه زرهصاف و فلسی و جوشن استفاده می کردند. استفاده از جوشن در زیر زره اصلی همواره تا دوران ساسانیان مرسوم بود. این سواران از کلاهخودی به شکل مخروط که تمامی سر و همچنین گردن را محافظت میکرد استفاده مینمودند. در مواقعی نیز از یک جوشن منباب حفاظت از صورت استفاده میشده است. این سواران از دسکشی از جنس زره فلسی یا در مواقعی از جنس جوشن استفاره می نمودند. **میزان استفاده:** در برخی از ازمنه پادشاهای اشکانی به وفور استفاده می شده است ولی در برخی دوران ها بسیار کم استفاده می شده است. بنابراین تعداد مشخصی نداته اند و در دوران های مختلف به تعداد مختلف استفاده می شده است اما تعداد دو هزار کاتافراکت همواره به خدمت شاه بودند و از او و خانواده سلطنتی محافظت میکردند. **مهم ترین نبرد ها:** نبرد های امپراتوری ایران با

امپراتوری روم از جمله نبرد کاره و نبرد با آنتوان **تاکتیک جنگی:** اگر در لشکر دشمن از سواره نظام استاده می شد، کاتافراکت ها به سواره نظام دشمن حمله برده و آنها را نابود میکردند این تاکتیک در مقابل رومیان که همواره فاصله زیادی بین سواره نظام و پیاده نظامشان وجود داشت موثر بود پس از تمام کردن کار سواره نظام دشمن، به پیاده ها هجوم می برده ، آنها را نابود میکردند. در نبرد کاره، سپاهیان کراسوس از دو بخش تشکیل شده بودند. سواران و پیاده ها. پس از منهدم شدن پیاده نظام کراسوس، پسرش فابیوس که فرمانده سواره نظام بود خواست با سواره نظام خود که شمارشان بیش از دو هزار نفر بود به یاری پیاده نظام بشتابد اما در میانه راه کاتافراکت ها به لشکر او حمله کردند و تمامی سواره نظام روم را نابود کردند، پس از چندی فابیوس اسیر شد که بلافاصله او را گردن زدند و سرش بر نیزه کرده در میدان میچرخاندند. کراسوس نیز در این نبرد اسیر شد که او را نیز گردن زدنه،سرش برای شاه فرستادند.

جنگ سواره نظام پارتی(سوار داری کلاهخود مخروطی)

حمله سواره نظام سنگین اسلحه پارتی به لژیون های رومی

فیل سوارن: **اسلحه مورد استفاده:** با بستن وسایل برنده به عاج فیل، عاج را بسیار خطرناک مینمودند. همچنین بر روی فیل برجکی قرار میدادند که در آن کمانداران جای میگرفتند و به تیراندازی به سپاه دشمن میپراختند. زره: اغلب

بدون زره مگر در قسمت سر و چشمان **میزان استفاده:** کم **تاکتیک جنگی:** در پیش باقی سپاه قرار میگرفتند، به سوی دشمن حمله میبردند و در صفوف آنها اختلال ایجاد می کردند. همچنین کمانداران از بالای فیل بر دشمن تیر میباریدند. فیل های اشکانی برخلاف فیل های ارتش هخامنشی که آفریقایی بودند. فیل های اشکانی از ممالک هند خریداری شده بودند به همین جهت دارای عاج هایی کوچک تر بودند.

ظاهر احتمالی فیل های ارتش پارت

شتر سواران: پس از چندی که اشکانیان بر حاشیه جنوبی خلیج فارس غلبه یافتند، ممالک عرب را آن مناطق را به زیر سلطه خود درآوردند، اعراب نیز موظف شدند در مواقع نبرد، هر چه میتوانند در اختیار حکومت اشکانی بگذارند، اعراب به دلیل داشتن شتر های بلند و قوی هیکل، در مواقع جنگ برای حکومت مرکزی شتر میفرستادند. در برخی موارد سوارنی بر روی شتر ها می نشستند و با نیزه ای بلند به جنگ میپرداختند . در برخی موارد از شتر ها برای حمل و نقل آذوقه و علیق سپاهیان استفاده می نمودند. **اسلحه مورد استفاده:** اغلب یک نیزه بلند **زره:** غالبا بدون زره **میزان استفاده:** متوسط **تاکتیک جنگی:** همانند کاتافراکت ها میجنگیدند.

پیاده نظام: در دوران پارت ها از پیاده نظام بسیار به ندرت استفاده می شد. پیاده نظام را معمولا برای حفاظت از شهر ها و دژ ها به کار میبردند. پیاده نظام اشکانی متشکل از پیاده نظام سبک اسلحه و پیاده نظام تیرانداز بود. پیاده نظام سبک اسلحه ،معمولا از زرهی چرمی و یا در مواقعی خفتان استفاده می کردند. این پیاده نظام اغلب دارای، نیزه ای کوتاه و یا یک شمشیر دو لبه بودند. پیاده نظام تیرانداز نیز از انواع وسایل تیراندازی از جمله کمان و فلاخن استفاده میکردند. زرهی چرمین و یا خفتان میپوشیدند و کلاهی نمدی بر سر میگذاشتند.

نگاهی به ارتش روم، سرسخت ترین دشمن پارت ها

ارتش روم را میتوان قدرتمند ترین ارتش جهان در جهان آن روزگار دانست که از پس همه بر می آمد به جز اشکانیان. ارتش روم دارای نظم منحصر به فردی بود که در جهان بی نظیر است. این ارتش را از لژیون ها تشکلیل شده بود، هر لژیون را بین۸ هزار تا۲۴هزار در منابع مختلف ذکر کرده اند. ارتش روم دارای سه بخش بود، پیاده نظام، سواره نظام و نیروی دریایی. تنها سپاه پیاده روم دارای۳۱بخش مجزا بود، سواره نظام از۱۷ بخش تشکیل شده بود، نیروی دریایی از ۶بخش تشکیل شده بود. بنابراین شرح تمامی این۵۴رکن ارتش روم در این مقاله ممکن نیست(انشالله مقاله ای درباره ارتش روم نوشته می شود). بنابر این به مشهور ترین این ارکان یعنی پیاده نظام ساگمانتاتا و سواره نظام می پردازیم.

پیاده نظام ساگمانتاتا: شاید تا بحال نام این نوع پیاده نظام را نشنیده باشید ولی بدون شک آن را در بسیاری از فیلم ها مشاهده کرده اید. پیاده نظام ساگمانتاتا به دلیل زرهی ورقه ورقه ای به نام لاریکا ساگمانتاتا، به این نام مشهور بود. این پیاده نظام دارای نیزه ای بود که دارای دسته ای کوتاه بود و بالای سرنیزه و برای افزایش برد و همچنین نفوذ بیشتر، از چوب اضافی و یا تکه آهنی با شکلی خاص استفاده می شد. این پیاده نظام از نوعی شمشیر کوتاه و دولبه به نام گلاکیاس در دست می گرفتند، کلاهخودی به نام گلیک بر سر می گذاشتند که تمامی سر و صورت و گردن را محافظت می کرد. همچنین از سپری از جنس چوب و با پوشش آهن استفاده میکردند که آرایش جنگی خود را با این سپر ها تشکیل میدادند. از جمله آرایش های آرایش لاک پشتی بود که برای مقابله با تیراندازی دشمن استفاده می شد، آرایش دیگر آنها آرایش گویی شکل بود که برای زمان محاصره استفاده می شد. آرایش دفع سواره نظام نیز در موقع حمله سواره نظام استفاده می شد.

سنتریون رومی. فرمانده ستون

شمشیر گلاکیاس

سپر رومی

آرایش لاک پشت

آرایش گوی

آرایش ضد سواره نظام

مثلث تهاجمی

سواره نظام این سواره نظام داری زرهی اغلب از جنس جوشن و سپری به شکل بیضی در دست می گرفتند. هاستا نیزه ی بلندی بود که مخصوص سواره نظام طراحی و ساخته می شد و مقداری با نیزه پیاده نظام متفاوت بود. این سوارن معمولا از زره برای اسب خود استفاده نمی کردند. سواره نظام نیز مانند پیاده نظام از گلیک برای پوشش سر استفاده می نمود. این سواره نظام حریف قابلی برای پارت ها نبود چنانکه پارت ها به راحتی با کاتافراکت هایشان این سواره نظام را منکوب می کردند. پس از افزایش فتوحات روم در قسمت های شمالی اروپا، رومیان از سوارن ژرمن و فرانکی استفاده کردند. این سواران بر اسب هایی کوچک سواره می شدند و لی دارای قدرت مانور بالایی در میدان بودند و اغلب رومیان از این سواره نظام برای جنگ هایش با اشکانیان استفادده می کرد.

سواره نظام فرانکی

منابع: کتاب: تاریخ ایران باستان، پیر نیا، باب چهارم،۱۵۶ به بعد کتاب:تاریخ ایران،عابدینی،بخش پارت ها ۱۳۰ به بعد کتاب تاریخ فناوری نظامی، ویل فایر، ۶۳و۶۴ کتاب: تاریخ ایران باستان، خنجی،۵۴۵به بعد و ۵۶۳ به بعد کتاب: تاریخ تمدن، ویل دورانت،جلد سوم، بخش اول، فصل دوم، سپاه روم کتاب: روم باستان، مورل، بخش سپاهیان رومی

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ارتش اشکانیان (ارتش پادشاهی اشکانی)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://www.parsiandej.ir/articles/1531/pdf/ارتش-اشکانیان.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵